

پاسخ‌دهی کیفری به اشخاص حقوقی در بزه قاچاق کالا و ارز

امید رستمی غازانی^۱ O.rostamighazani@abu.ac.ir

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۴/۱۵ تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۰۵/۱۷

چکیده:

امروزه مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام‌های حقوقی مختلف مورد پذیرش واقع شده است. در نظام حقوقی ایران نیز به عنوان یک قاعده کلی این مسؤولیت به موجب قانون مجازات اسلامی مورد پذیرش قرار گرفته است. ویژگی برخی از بزه‌ها به گونه‌ای است که قانون‌گذار سیاست کیفری افتراقی در مواجهه با آنها اتخاذ کرده است و رویکرد قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در مقابله با بزه قاچاق کالا و ارز نیز یکی از مصادیق تبلور این سیاست افتراقی است. این رویکرد افتراقی در زمینه پاسخ‌دهی به بزهکاری اشخاص حقوقی نیز خود را نشان داده است. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در ضمن مواد ۶۷ و ۷۰ به موضوع مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در بزه قاچاق کالا و ارز و پاسخ‌دهی افتراقی نسبت به بزه‌های ارتكابی آنها پرداخته است. البته قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در این حوزه دارای ابهامات فراوانی است که رفع آن از ضروریات دستیابی به سیاست کیفری کارآمد است.

واژگان کلیدی: قاچاق، شخص حقوقی، مسؤولیت کیفری، جرم، تخلف

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی اهل‌بیت(ع)

مقدمه:

«قاچاق»^۱ واژه‌ای است که از اوایل قانون‌گذاری نوین در ایران (و نیز پیش از آن) در ادبیات حقوقی همواره مورد استفاده قرار گرفته است. در فرهنگ دهخدا در مقابل واژه قاچاق آمده است: «برده، ربوده. (فرهنگ نظام). آنچه ورود آن به کشور و یا معامله آن از طرف دولت ممنوع است.» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۵۲۴۸) در فرهنگ عمید نیز در مقابل واژه قاچاق آمده است: «تردستی، کاری که پنهانی و با تردستی انجام شود، خرید و فروش کالاهایی که در انحصار دولت و یا معامله آن‌ها ممنوع باشد، وارد کردن یا صادر کردن کالاهایی که ورود و صدور آن‌ها ممنوع است. قاچاق در ترکی به معنای فراری است.» (عمید، ۱۳۷۲: ۱۸۶۸) از نظر لغوی واژه «قاچاق» گاهی به معنای اسم مصدر و در بسیاری از موارد به معنای اسم آلت مورد استفاده قرار می‌گیرد. این واژه در معنای اسم مصدر آن عبارت از انجام دادن کاری برخلاف قانون به نحو پنهانی و در معنای اسم آلت عبارت از متاعی که معامله یا ورود آن به داخل کشور ممنوع است، می‌باشد. (آقازاده، ۱۳۹۵: ۱۷ و ۱۸) با توجه به ریشه ترکی واژه قاچاق، این واژه با واژه‌هایی چون «قیچ» که به معنای پا (از مفصل ران به پایین) و «قاچماخ یا قاشماخ» که به معنای دویدن و فرار است، دارای ریشه مشترک می‌باشد و از این ریشه می‌توان به معنای آن پی برد. قاچاق در مفهوم بکار رفته در قوانین را از آن جهت قاچاق می‌نامند که شخص با ارتکاب رفتاری از اجرای قوانین و یا مقررات فرار می‌کند و البته قید فریب و یا پنهانی بودن نیز داخل در مفهوم لغوی نیست ولی از آنجا که کسی که رفتاری خلاف قانون مرتکب می‌شود در صدد عدم کشف آن است، بدیهی است که در راستای بهره‌مندی از منافع رفتار مجرمانه بخواهد از طریق توسل به فریب و یا پنهان‌کاری عمل نماید.

واژه «قاچاق» در نظام حقوقی ایران دارای معانی مختلف است و در دو مفهوم «موسع» و «مضیق» بکار رفته است. قاچاق در مفهوم مضیق، معادل قاچاق گمرکی (یا همان قاچاق کالا و ارز) است (الهام و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۱) و در مقابل قاچاق غیرگمرکی یا قاچاق کالای ممنوعه است. (احمدی، ۱۳۸۵: ۱۰۰) اولین تعریف قانونی از قاچاق در ماده ۱ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی کمک ای متقابل

1. Smuggling

اداری به منظور پیشگیری، تجسس و جلوگیری از تخلفات گمرکی^۱ مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۲۰ مشهور به کنوانسیون نایروبی ارائه شد. در ادامه قانون گذار قاچاق را در بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تعریف نمود. «قاچاق کالا و ارز: هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود.» این تعریف محل نقد فراوان است و لیکن در مجال حاضر فرصت پرداختن به آن نیست.

قاچاق کالا و ارز از همان اوان دوران قانون گذاری نوین در ایران همواره مورد توجه خاص قانون گذار بوده است (ر.ک: اجتهادی، ۱۳۸۰) و شیوع آن از یکسو و اهمیت آن از دیگر سو سبب شکل سیاست کیفری افتراقی در مواجهه با آن شده است و تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۹۲ و اصلاحات بعدی آن استمرار این رویکرد افتراقی در شکلی جدید و البته منسجم تر بوده است که می توان تجلی این رویکرد افتراقی را در مواجهه با بزهکاری اشخاص حقوقی نیز ملاحظه نمود. امروزه هر چند آمار دقیقی در خصوص میزان ارتکاب بزه قاچاق از طریق اشخاص حقوقی وجود ندارد و لیکن نمی توان در این موضوع تردید داشت که بخش قابل توجهی از بزه قاچاق کالا و ارز مخصوصا در مصادیق کلان آن از طریق اشخاص حقوقی صورت می گیرد و این امر ضرورت توجه خاص قانون گذار و مراجع کشف، تعقیب و رسیدگی کننده را در خصوص بزه قاچاق ارتكابی توسط اشخاص حقوقی می طلبد. پیش از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز قانون گذار به موضوع ارتكاب قاچاق از طریق اشخاص حقوقی توجه داشته است که از جمله می توان به ماده ۱۵ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ اشاره کرد. «هر مؤسسه ای که وسیله برای ارتكاب جرم گردد، از قبیل مؤسساتی که در آن ها فروش اجناس قاچاق ... به عمل آید ... به دستور دادگاه که در ضمن حکم مجازات داده می شود بسته خواهد شد. ...» البته در این قانون بستن مؤسسه از جهت اعمال تدابیر تأمینی و تربیتی بوده است و لیکن در ادامه با پذیرش مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی (به نحو صریح و کلی) در قانون مجازات اسلامی، قانون گذار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز که تصویب آن تقریبا همزمان

1. International Convention on Mutual Administrative Assistance for the Prevention, Investigation and Repression of Customs Offences 1977

با قانون مجازات اسلامی است، امکان اعمال مجازات برای اشخاص حقوقی مرتکب بزه قاچاق را تصریح نموده است.

۱ - قلمرو مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در بزه قاچاق کالا و ارز

پس از دهه‌ها بحث در خصوص قابلیت انتساب مسؤولیت کیفری به اشخاص حقوقی و امکان پذیرش آن در نظام حقوقی ایران (با وجود مقررات پراکنده و توأم با اجمال)، بالاخره قانون‌گذار ایران ابتدا در ماده ۱۹ قانون جرایم رایان‌های مصوب ۱۳۸۸ در حدود جرایم رایان‌های مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفت. در ادامه نیز قانون‌گذار در ضمن ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی را در خصوص مطلق جرایم پذیرفت. «در مسؤولیت کیفری اصل بر مسؤولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسؤولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. ...»

در ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز قانون‌گذار بیان می‌دارد که «اگر قاچاق توسط شخص حقوقی ارتکاب یابد ...»، بر این اساس قانون‌گذار در خصوص بزه قاچاق کالا و ارز نیز امکان تحقق مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته است. اطلاق قاچاق در صدر ماده ۶۷ قانون و نیز تصریح صورت گرفته در ادامه نشان از آن دارد که مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی علاوه بر مصادیق جرایم قاچاق، شامل تخلفات قاچاق نیز می‌شود. توضیح آنکه در ماده ۴۴ قانون، بزه قاچاق در پنج مورد (قاچاق کالا و ارز سازمان‌یافته و حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی) جرم تلقی شده و دیگر موارد مشمول عنوان تخلف می‌باشند. (ر.ک: رستمی غازانی، ۱۳۹۶: ۶۱ - ۵۲) مفهوم «تخلف» نیز به مثابه «جرم» دلالت بر دایره ممنوعات رفتاری در جامعه داشته و لیکن تفاوت‌هایی نیز با آن دارد. برای تفکیک جرم از تخلف می‌توان از معیارهایی چون اهمیت قاعده نقض شده، میزان آسیب وارده ناشی از نقض قاعده، نوع دادرسی و نیز نوع ضمانت‌اجرای پیش‌بینی شده بهره برد. برخی چنین استدلال نموده‌اند که آنچه که از نحوه نگاه و اقدام قانون‌گذار استنباط می‌شود این است که این تفکیک صرفاً در حدود تفکیک صلاحیت مراجع قضایی از شعب سازمان تعزیرات حکومتی کاربرد داشته و به غیر از این اثری بر آن مترتب نیست. (اجتهادی،

۱۳۹۶: ۳۸) بنابراین نتیجه آن است که مقررات ناظر به مسؤولیت کیفری علاوه بر جرایم شامل تخلفات قاچاق نیز می‌شود. لیکن علاوه بر این می‌توان استدلال نمود که اولاً - قانون‌گذار با تعمد در صدر ماده، اشاره به مطلق قاچاق دارد و از این‌رو در خصوص مصادیق تخلف قاچاق در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی نیز شرایط مسؤولیت کیفری تابع قانون مجازات اسلامی است. ثانیاً - در ماده ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز که حکم برخی از موضوعات مرتبط با قاچاق به قانون مجازات اسلامی ارجاع داده شده است، در این خصوص تفکیکی بین جرم و تخلف قاچاق وجود ندارد. با وحدت ملاک می‌توان این عدم تفاوت را در خصوص مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی نیز جاری دانست. ثالثاً - در غیر از موارد پنج‌گانه مذکور در ماده ۶۳ نیز که دادگاه‌ها به استناد عموماً قانونی به قانون مجازات اسلامی رجوع می‌نمایند، شعب تعزیرات حکومتی به استناد اختیار مقرر در ماده ۴۶ قانون مذکور از این امکان برخوردار می‌باشند. «در کلیه مواردی که سازمان تعزیرات حکومتی صالح به رسیدگی است شعب تعزیرات حکومتی همان اختیار مراجع قضایی در رسیدگی به پرونده‌های مزبور را دارند جز در مواردی که در این قانون به ضرورت اخذ دستور مقام قضایی تصریح شده است.» با توجه به اینکه در خصوص نحوه توجه مسؤولیت ناشی از ارتکاب تخلفات به شخص حقوقی مقررات شفاف و روشنی وجود ندارد، عبارت صدر ماده ۶۷ از این جهت درخور اهمیت ویژه است.

در خصوص اشخاص حقوقی دارای مسؤولیت کیفری ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی اطلاق دارد و اطلاق آن می‌تواند شامل اشخاص حقوقی دولتی و غیردولتی و نیز عمومی و غیرعمومی شود و لکن تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی این اطلاق را تخصیص زده است. «مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود.» بر این اساس مجازات‌های مقرر در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی در خصوص اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی قابلیت اعمال ندارد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا استثنای مذکور در خصوص بزه قاچاق نیز قابلیت اعمال دارد؟ این سؤالی که از این جهت حائز اهمیت است که در خصوص بزه قاچاق کالا مجازات شخص حقوقی نه به استناد ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی بلکه به استناد ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تعیین می‌گردد و مفاد تبصره ماده ۲۰ نیز ناظر به همان ماده است. اگر قائل به این نظر باشیم که مفاد تبصره

ماده ۲۰ در خصوص ماده ۶۷ قابلیت اعمال ندارد، در اینصورت اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی حتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌نمایند، در صورت ارتکاب بزه قاچاق دارای مسؤولیت کیفری خواهند بود. در تأیید این دیدگاه ممکن است بتوان به ظاهر تبصره ۲ ماده ۶۷ نیز استناد نمود که مقرر می‌دارد: «چنانچه شخص حقوقی، وابسته به دولت یا مأمور به خدمات عمومی باشد، مرجع رسیدگی‌کننده، کارکنان و مدیران مرتکب قاچاق را علاوه بر مجازات‌های مربوط حسب مورد به محرومیت یا انفصال دایم یا موقت از خدمات دولتی و عمومی غیردولتی محکوم می‌نماید.» ظاهر این تبصره اطلاق داشته و شامل اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی اعم از اینکه در مقام اعمال حاکمیت باشند یا نباشند، می‌شود.

برخلاف دیدگاه فوق به نظر می‌آید که از یکسو تبصره ماده ۲۰ در مقام تعیین استثناء برای موارد معافیت از اعمال ضمانت‌اجراهای کیفری مقرر برای اشخاص حقوقی نبوده است، بلکه به دنبال ارائه استثنایی برای شمول مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی بوده است و در واقع این تبصره استثنایی بر اطلاق ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی است؛ چرا که بعید است که مرجع قضایی حق تعقیب شخص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی در مقام اعمال حاکمیت را به جهت انتساب جرم به او داشته باشد و صرفاً در مرحله تعیین مجازات امکان حکم به مجازات اشخاص حقوقی مذکور را نداشته باشد. از دیگر سو، همان منطقی که ایجاب می‌نماید که اشخاص دولتی و عمومی غیردولتی در مقام اعمال حاکمیت به جهت ارتکاب جرایمی غیر از قاچاق فاقد مسؤولیت کیفری بوده و مجازات نشوند، همان منطق در خصوص موارد ارتکاب بزه قاچاق نیز وجود دارد و از این رو با وحدت ملاک می‌توان حکم تبصره ماده ۲۰ را به موارد ارتکاب بزه قاچاق نیز تسری داد. دلیل دیگری نیز که می‌تواند در اینجا مورد استناد قرار گیرد مجازات‌های پیش‌بینی شده در ماده ۶۷ برای اشخاص حقوقی است که از جمله شامل انحلال شخص حقوقی در صورت ارتکاب قاچاق کالای ممنوع و یا سازمان‌یافته در مرتبه اول و یا ارتکاب قاچاق کالای غیرممنوع و یا ارز در مرتبه دوم می‌اشد و بعید است که مرجع رسیدگی‌کننده بتواند حکم به انحلال شخصی حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی به جهت ارتکاب

۱. در خصوص چرایی فلسفه مستثنی شدن دولت و مؤسسات عمومی از شمول مسؤولیت کیفری به «اصل ضرورت و استمرار» و «مغایرت مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی با اصل عدالت و انصاف» اشاره کرده‌اند. رک: فرج‌اللهی، ۱۳۸۸: ۱۲۳ - ۱۱۸؛ شریفی، ۱۳۹۴: ۱۷۲ - ۱۶۷.

قاچاق در امور حاکمیتی بدهد.^۱

۲- شرایط تحقق مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در بزه قاچاق کالا و ارز

با توجه به اینکه قانون گذار اشاره‌ای به شرایط انتساب مسؤولیت کیفری شخص حقوقی در بزه قاچاق ارتكابی ندارد، می‌بایست آن را تابع شرایط عام مقرر در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی دانست. البته ممکن است در این امر برخی تردید داشته باشند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷: ۶۸) و در جهت نظر آنان استدلال نمود که ماده ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز حکم موارد خاصی را به قانون مجازات اسلامی ارجاع داده است و شرایط تحقق مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی جزو موارد مصرح نیست، لیکن باید توجه داشت که نمی‌توان از مفاد ماده ۶۳ مذکور مفهوم مخالف گرفته و مراجع رسیدگی‌کننده را از رجوع به قانون مجازات اسلامی منع نمود؛ چرا که قانون گذار در این ماده صرفاً در مقام بیان این موضوع بوده است که احکام موضوعات مذکور در آن ماده (به شرط عدم پیش‌بینی احکام استثنایی در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز) تابع عمومات است و البته قانون گذار با عدم ذکر ماده ۶۳ نیز بدین هدف نائل می‌شد؛ چرا که در سکوت مقررات خاص می‌بایست به عمومات رجوع نمود. البته ماده ۵۱ لایحه اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به شکلی دیگر در راستای بیان این موضوع شده است. «تمامی احکام و قواعد عمومی مربوط به جرایم و تخلفات موضوع این قانون به غیر از موارد پیش‌بینی شده، مطابق قانون مجازات اسلامی است. ...»

یکی از شرایط مقرر در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی برای مسؤولیت کیفری شخص حقوقی آن است که «نماینده قانونی شخص حقوقی ... مرتکب جرمی شود». این در حالی است که در قانون جرایم رایان‌های و نیز تبصره ۴ ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قانون گذار به جای «نماینده قانونی» به «مدیر» اشاره دارد. در قانون اشاره‌ای به تعریف یا معیار نمایندگی قانونی نشده است. رویه قضایی نیز تاکنون هیچ دستاوردی در این مفهوم نداشته است. (شاملو، ۱۳۹۶: ۸۱۸) در تعریف نماینده قانونی

۱. نظریه مشورتی شماره ۹۵/۲۱۰/۲۷۰۰ مورخ ۱۳۹۵/۵/۲۴ دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی: «... در خصوص اشخاص حقوقی دولتی یا مأمور به خدمات عمومی در موارد اعمال حاکمیت با وحدت ملاک از تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی اعمال نمی‌گردد، لیکن در موارد انجام امور تصدی، قواعد عمومی مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی شامل آنها نیز می‌شود؛ بنابراین حکم مقرر در تبصره ۲ ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ناظر به مواردی است که شخص حقوقی دولتی یا عمومی غیردولتی در مواردی غیر از [انجام وظایف حاکمیتی، مرتکب قاچاق کالا و ارز گردد ...»

بیان شده است که نماینده قانونی کسی است که یا به موجب قانون و یا به موجب قرارداد اختیاراتی به او داده شده تا برای دیگری کار یا کارهایی را انجام دهد. مانند مدیر عامل، هیأت مدیره، شهردار، دبیر کل و یا وکیل شرکت که به نیابت از طرف شخص حقوقی تعهداتی برای او ایجاد می‌نماید. (اردبیلی، ۱۳۹۶: ۶۷) در مقابل تبصره ۱ ماده ۱۹ قانون جرایم رایان‌های در تعریف مدیر بیان می‌دارد که «منظور از مدیر کسی است که اختیار نمایندگی یا تصمیم‌گیری یا نظارت بر شخص حقوقی را دارد.» مشابه همین تعریف در قسمت انتهایی تبصره ۴ ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز تکرار شده است. «... منظور از مدیر شخص حقوقی کسی است که اختیار نمایندگی یا تصمیم‌گیری یا نظارت بر شخص حقوقی را دارد.»

به نظر می‌آید که «نماینده قانونی» دارای مفهومی اعم از «مدیر» است و با توجه به تعریف ارائه شده از نماینده قانونی هر شخصی صرف‌نظر از جایگاه او در سلسله مراتب اداری شخص حقوقی اگر در چارچوب اختیاراتی که به موجب قانون مستقیماً به او اعطاء شده است و یا با رعایت قوانین و مقررات توسط نمایندگان مذکور به موجب قرارداد به آنان محول بشود، نماینده قانونی شخص حقوقی بوده و اگر جرمی را به نام و یا در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب شود، در این صورت شخص حقوقی مسئولیت کیفری خواهد داشت. در این چارچوب اگر کارکنان جزء شخص حقوقی نیز در چارچوب شرح وظایف مصوب و یا اختیارات تفویضی به آن‌ها جرمی را مرتکب بشوند، امکان تحقق مسئولیت کیفری شخص حقوقی وجود دارد.

در تأیید این دیدگاه می‌توان گفت:

اولاً- به موجب ماده ۶۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری «هرگاه دلیل کافی برای توجه اتهام به اشخاص حقوقی وجود داشته باشد، ... به شخص حقوقی اخطار می‌شود تا مطابق مقررات نماینده قانونی یا وکیل خود را معرفی نماید. ... تبصره - فردی که رفتار وی موجب توجه اتهام به شخص حقوقی شده است، نمی‌تواند نمایندگی آن را عهده‌دار شود.» مستنبط از این ماده و تبصره آن این است که یک شخص حقوقی هم‌زمان ممکن است بیش از یک نماینده قانونی داشته باشد؛ چرا که کسی که موجب توجه اتهام به شخص حقوقی شده است، نمی‌تواند به عنوان نماینده شخصی حقوقی از آن دفاع نماید. از این‌رو شخص حقوقی می‌بایست نماینده قانونی دیگری را برای تبیین اتهام به مرجع قضایی

معرفی نماید و این در حالی است که اگر نماینده قانونی را محدود به اشخاصی بدانیم که قانون آن‌ها را مستقیماً نماینده شخص حقوقی دانسته است، در اینصورت اجرای ماده ۶۸۸ و تبصره آن در مواردی دچار اشکال خواهد شد؛ چرا که در نهادهای دولتی و عمومی معمولاً این بالاترین مقام اجرایی است که نماینده تلقی می‌شود و مقامات اجرایی در سلسله‌مراتب پایین‌تر اختیارات خود را از مقام بالاتر اخذ می‌نمایند.

ثانیا- در عمل بسیار نادر است که بالاخص در خصوص اشخاص حقوقی بزرگ، مدیر شخص حقوقی خود رأساً اقدام به ارتکاب جرم و از جمله جرایمی مانند قاچاق نماید، بنابراین محصور ساختن مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی به مواردی که مدیران شخص حقوقی رأساً مرتکب جرم بشوند به دور از فلسفه شناسایی مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی است و البته برخی در این راستا سعی در توسعه جرایم منتسب به مدیر و به تبع آن توسعه مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی داشته‌اند. «مدیر شخص حقوقی چه خود شخصاً مرتکب جرم شود و چه به دستور او کسانی که در سلسله‌مراتب سازمانی تحت امر او هستند، در هر حال تأثیری بر مسؤولیت کیفری شخص حقوقی ندارد. مدیر، سکاندار امور اداری و تصمیم‌گیرنده اصلی در حوزه فعالیت‌های شخص حقوقی است. او هم مجری سیاست‌ها و دستورهای شخص حقوقی و هم ناظر اجرای این دستورها است. به طور کلی، مسؤولیت اقدامات اداری و اجرایی اشخاص تحت امر مدیر مسؤول با خود او است، بنابراین، اگر ثابت شود که مدیر شخص حقوقی یا هر کس دیگری که اختیارات مدیر شخص حقوقی قانوناً یا عملاً به او تفویض شده بر کار زیردستان خود نظارت نداشته و بر اثر این ترک تکلیف جرمی به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی به وقوع پیوسته است از باب مسؤولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری مدیر شخص حقوقی نیز مسؤول است» (همان: ۶۸ و ۶۹) چنین توسعه مسؤولیتی در مواردی که نص قانونی برای آن وجود دارد (مانند ماده ۱۹ قانون جرایم رایانه‌ای) می‌تواند توجیه شود و لیکن از آنجایی که مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر استثنایی بر اصل شخصی بودن مسؤولیت کیفری است، توسعه مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی از طریق توسعه مسؤولیت ناشی از فعل غیر مدیر شخص حقوقی به خارج موارد مصرح در تعارض با اصول حاکم بر حقوق کیفری است.

ثالثاً- با توجه به عبارت ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اگر قاچاق توسط

نماینده قانونی شخص حقوقی ارتکاب یابد در اینصورت شخص حقوقی دارای مسئولیت کیفری است و این در حالی است که با توجه به تبصره ۴ ماده ۶۷ چه بسا مدیر شخص حقوقی خود مرتکب بزه قاچاق نشده باشد. «در خصوص مدیر شخص حقوقی که از عمل مباشران، علم و اطلاع داشته باشد نیز مطابق قانون مجازات اسلامی عمل می‌شود. ...» مطابق این تبصره مباشری که رفتار او سبب توجه اتهام به شخص حقوقی شده است، متفاوت از مدیری می‌باشد که اختیار نمایندگی یا تصمیم‌ری یا نظارت بر شخص حقوقی را دارد و لیکن بدیهی است برای اینکه مسئولیت کیفری شخص حقوقی محقق شود، مباشر مذکور می‌بایست نماینده قانونی شخص حقوقی باشد، پس ممکن است شخصی نماینده قانونی شخص حقوقی باشد، بی‌آنکه مدیر آن باشد.

رابعاً- آنچه که به نحو صریح در خصوص موضوع بحث حاضر دلالت دارد، تبصره ۳ ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است. «چنانچه شخص حقوقی، وابسته به دولت یا مأمور به خدمات عمومی باشد، مرجع رسیدگی‌کننده، کارکنان و مدیران مرتکب قاچاق را علاوه بر مجازات‌های مربوط حسب مورد به محرومیت یا انفصال دایم یا موقت از خدمات دولتی و عمومی غیردولتی محکوم می‌نماید.» آنگونه که ملاحظه می‌شود در این تبصره قانون‌گذار «مدیران» و «کارکنان» مرتکب قاچاق موجب مسئولیت کیفری شخص حقوقی را در عرض یکدیگر آورده است.^۱

خامساً- ماده ۷۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در راستای تشدید مجازات اشخاصی حقیقی‌ای که موجب مسئولیت کیفری شرکت‌ها و مؤسسات حمل‌ونقل داخلی و بین‌المللی می‌شوند، مجازات محرومیت از اشتغال را پیش‌بینی نموده است که این محرومیت می‌تواند شامل «مدیران» و یا «متصدیان» شخص حقوقی شود. بدیهی است که در این ماده «متصدیان» غیر از «مدیران» شخص حقوقی است.

مبنای پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران، مسئولیت نیابتی یا کمان‌های و یا انعکاسی است (جعفری، ۱۳۹۵: ۲۰) و مسئولیت کیفری شخص حقوقی در صورتی است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع

۱. البته برخی از حقوق‌دانان تعریف مضیق از نماینده قانونی را پذیرفته‌اند و در پاسخ به این سؤال که آیا راننده یک شرکت حمل و نقل که محموله‌ای را از تهران به اهواز حمل می‌کند، نماینده شخص حقوقی است؟ بیان داشته‌اند که «طبق قانون تجارت، قانون کار و مبانی حقوقی، راننده یک شرکت حمل‌ونقل، نماینده آن محسوب نمی‌شود.» فرج‌الهی، رضا، مبانی و شرایط تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در: آشوری و صادق‌نژاد نایینی، ۱۳۹۶: ۲۰.

شخص حقوقی مرتکب بزه قاچاق بشود، بنابراین صرف ارتکاب بزه قاچاق از سوی نماینده قانونی برای مسؤولیت کیفری شخص حقوقی کفایت نکرده و می‌بایست که نماینده قانونی بزه را به نام شخص حقوقی و یا در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب شده باشد. تحقق هر یک از دو شرط اخیر برای تحقق مسؤولیت کیفری شخص حقوقی کفایت می‌کند و لیکن آنگونه که در ادامه خواهد آمد، از حیث مجازات شخص حقوقی بین دو حالت مذکور تفاوت وجود دارد.

در اینجا لازم به ذکر است که برخلاف نظر برخی که بزه قاچاق را در زمره جرایم مادی صرف^۱ می‌دانند (الهام و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۵؛ ساداتی، ۱۳۹۵: ۶۴)، بزه قاچاق در زمره بزه‌های عمدی است (اجتهادی، ۱۳۸۰: ۳۶؛ اجتهادی، ۱۳۹۶: ۱۸۲ و ۱۸۳؛ صفاری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷) از این رو زمانی مسؤولیت کیفری شخص حقوقی محقق می‌گردد که نماینده قانونی در ارتکاب بزه قاچاق علاوه بر عنصر مادی، دارای عنصر روانی مربوطه نیز باشد. «در صورتی که تخلف حمل کالای قاچاق توسط نماینده قانونی شخص حقوقی به نام و یا در راستای منافع آن ارتکاب یابد، مسؤولیت کیفری شرکت حمل‌ونقل علاوه بر مسؤولیت کیفری شخص حقیقی مرتکب حمل محقق می‌گردد و در این صورت شخص حقوقی مطابق ماده ۶۷ و تبصره ماده ۷۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز محکوم می‌شود. لازم به ذکر است که تخلف حمل کالای قاچاق از نوع تخلفات عمدی بوده، فلذا تحقق عمد مرتکب حقیقی مطابق ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی ضروری است و در خصوص مرتکب حقوقی نیز می‌توان عنصر روانی نماینده قانونی شخص حقوقی را به عنوان عنصر روانی شخص حقوقی پذیرفت. ...»^۲

۳ - مجازات اشخاص حقوقی مرتکب بزه قاچاق کالا و ارز

مجازات اشخاص حقوقی در مواد ۲۰ الی ۲۲ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است، که مرجع قضایی حسب مورد یک تا دو مورد از مجازات‌های مقرر را در خصوص شخص حقوقی تعیین می‌نماید. لیکن با توجه به اینکه در بزه قاچاق، قانون‌گذار به موجب ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مجازات‌های خاصی را برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته است، مرجع رسیدگی‌کننده در چارچوب ماده مذکور و تبصره‌های آن مجازات

1. Strict Criminal Liability

۲. نظریه مشورتی شماره ۹۵/۲۱۰/۴۸۰۴ مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۱۶ دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی

اشخاص حقوقی را تعیین می‌نماید.

به موجب ماده ۶۷ قانون مذکور «اگر قاچاق توسط شخص حقوقی ارتکاب یابد، مرجع صدور حکم نسبت به ضبط کالا و یا ارز قاچاق مکشوفه اقدام می‌نند و شخص حقوقی، علاوه بر محکومیت به جزای نقدی، حسب مورد به دو تا چهار برابر حداکثر جریمه مقرر برای شخص حقیقی، به ترتیب زیر محکوم می‌شود: ...» در این ماده نیز قانون‌گذار به مانند موارد مجازات اشخاص حقیقی اشاره به ضبط کالا و ارز موضوع قاچاق دارد، از آنجایی که ممکن است مالکیت کالا و یا ارز موضوع قاچاق متعلق به شخص حقوقی دارای مسئولیت کیفری باشد، از این رو ضمانت اجرای ضبط مقرر در ماده ۶۷ ممکن است تدبیری بر علیه شخص حقوقی باشد. میزان جزای نقدی مقرر برای اشخاص حقوقی مرتکب بزه قاچاق نیز تابعی از حداکثر میزان مجازات مقرر برای اشخاص حقیقی است. به موجب ماده ۶۷ مذکور حداقل جزای نقدی مقرر برای اشخاص حقوقی معادل دو برابر حداکثر جزای نقدی مقرر برای شخص حقیقی در قانون و حداکثر جزای نقدی شخص حقوقی نیز معادل چهار برابر حداکثر جزای نقدی مقرر برای اشخاص حقیقی است. در مقام مقایسه جزای نقدی مقرر برای اشخاص حقوقی در ارتکاب بزه قاچاق با جزای نقدی مقرر در مواد ۲۰ و ۲۱ قانون مجازات اسلامی دارای دو تفاوت عمده است: نخست آنکه با توجه به صدر ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، مرجع قضایی ملزم به تعیین جزای نقدی در خصوص اشخاص حقوقی نیست و با توجه به عبارت صدر ماده مرجع رسیدگی کننده با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیانبار آن از میان مجازات‌های مقرر در آن ماده می‌تواند به یک یا دو مورد حکم نماید و مرجع قضایی صرفاً در مواردی که برای اشخاص حقیقی در ارتکاب جرم مورد رسیدگی جزای نقدی پیش‌بینی شده باشد، می‌تواند حکم به جزای نقدی بدهد و این در حالی است که مجازات جزای نقدی در بزه قاچاق برای اشخاص حقوقی الزامی است. دوم آنکه، بین میزان مجازات جزای نقدی اشخاص حقوقی در بزه قاچاق کالا و ارز با دیگر جرایم تفاوت وجود دارد. به موجب ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی «میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می‌شود.» بنابراین در مواردی که میزان جزای نقدی مقرر برای اشخاص حقیقی دارای حداقل و حداکثر می‌باشد، در جهت تفسیر به نفع متهم، مجازات شخص حقوقی از دو برابر حداقل تا چهار

برابر حداکثر مجازات مقرر برای شخص حقیقی است ولی در خصوص بزه قاچاق این میزان از دو برابر تا چهار برابر حداکثر مجازات مقرر برای شخص حقیقی است.

در خصوص میزان جزای نقدی مقرر برای شخص حقوقی می‌بایست به مفاد تبصره ۳ ماده ۶۷ نیز توجه داشت. «اگر منافع حاصل از قاچاق به شخص حقوقی تعلق یابد و یا برای تأمین منافع شخص حقوقی به قاچاق اقدام گردد، جریمه‌ها از محل دارایی شخص حقوقی وصول می‌شود.» در فرض تحقق مسئولیت شخص حقوقی، این مسئولیت نافی مسئولیت شخص حقیقی مرتکب بزه نیست، لیکن تبصره ۳ ماده ۶۷ متضمن حکم خاصی است، بدین صورت که اگر بزه قاچاق کالا و ارز توسط نماینده شخص حقوقی صرفاً با استفاده از عنوان شخص حقوقی صورت گرفته باشد، هر دو شخص (اعم از حقیقی و حقوقی) به مجازات جزای نقدی مقرر در قانون محکوم می‌شوند، لیکن اگر نماینده قانونی شخص حقوقی در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب قاچاق کالا و ارز گردد، در اینصورت مستنبط از تبصره مذکور آن است که جزای نقدی شخص حقیقی نیز از محل دارایی شخص حقوقی وصول می‌شود.^۱ این دیدگاه در نظریه مشورتی شماره ۹۵/۲۱۰/۲۷۰۰ مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۲۴ دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی نیز منعکس شده است. «... هر چند که مسئولیت کیفری شخص حقوقی در صورتی که نماینده قانونی شخص حقوقی جرم یا تخلف قاچاق را به نام یا در راستای منافع شخص [حقوقی] انجام دهد، تحقق می‌یابد و شخص حقیقی (حسب مورد به موجب مواد ۱۸، ۲۲ و...) و حقوقی (حسب مورد به موجب مواد ۶۸ و ۷۰) محکوم می‌گردد، لیکن به موجب حکم مقرر در تبصره ۳ ماده ۶۷ در مواردی که منافع قاچاق به شخص حقوقی تعلق گرفته و یا برای تأمین منافع شخص حقوقی به قاچاق اقدام گردد، شخص حقوقی به تمامی جریمه‌ها (اعم از جریمه

۱. البته برخی بر این نظر می‌باشند که مفهوم این تبصره آن است که شخص حقوقی در صورتی به جهت ارتکاب قاچاق کالا و ارز محکوم می‌شود که بزه در راستای منافع شخص حقوقی ارتکاب یافته باشد و در غیر اینصورت شخص حقوقی مسئولیت کیفری ندارد و لیکن این نظر برخلاف ظاهر قانون است؛ چرا که به موجب صدر ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «اگر قاچاق توسط شخص حقوقی ارتکاب یابد...» و این ماده اشاره‌ای به شرایط تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ندارد و از این‌رو این شرایط را می‌بایست با رجوع به ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی تعیین نمود و مطابق این ماده ارتکاب جرم توسط نماینده قانونی شخص حقوقی در راستای منافع شخص حقوقی و یا به نام آن برای تحقق مسئولیت کیفری شخص حقوقی کفایت می‌نماید و از این‌رو ضرورتی وجود ندارد که برای انتساب مسئولیت کیفری به شخص حقوقی لزوماً ارتکاب جرم یا تخلف به نفع شخص حقوقی باشد. علاوه بر این در تبصره ۳ ماده ۶۷ واژه «جریمه» بصورت جمع بکار رفته است و این نشان از آن دارد که در این تبصره بیش از یک جریمه نقدی مورد نظر است که از یک‌سو شامل جریمه نقدی نماینده قانونی شخص حقوقی و از سوی دیگر جریمه نقدی خود شخص حقوقی است.

مقرر برای شخص حقیقی و شخص حقوقی) محکوم خواهد شد.^۱

علاوه بر مجازات ضبط و جزای نقدی به شرح فوق، شخص حقوقی مرتکب بزه قاچاق به شرح ذیل مجازات می‌شود: «... الف - در مورد قاچاق کالای غیرممنوع و ارزش در مرتبه اول ممانعت از فعالیت شخص حقوقی از یک تا دو سال و در مرتبه دوم انحلال شخص حقوقی ب - در مورد قاچاق کالای ممنوع و یا سازمان‌یافته، انحلال شخص حقوقی» در اینجا حسب مورد دو ضمانت‌اجراء برای شخص حقوقی در نظر گرفته شده است. ضمانت‌اجرای نخست ممانعت از فعالیت شخص حقوقی است که ظاهر در ممانعت کلی از فعالیت شخص حقوقی است و از این جهت در مقایسه با «ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی» مقرر در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی شدیدتر است.

در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی یکی دیگر از مجازات‌های قابل اعمال برای اشخاص حقوقی مجازات انحلال است و لیکن مرجع قضایی زمانی می‌تواند به آن حکم نماید که شرایط مقرر در ماده ۲۲ قانون مذکور وجود داشته باشد. «انحلال شخص حقوقی ... زمانی اعمال می‌شود که برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصراً در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد.» لیکن حکم به مجازات انحلال شخص حقوقی حسب شرایط مقرر در بندهای الف و ب ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارزش مقید به شرایط مقرر در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی نیست. پیش‌بینی شرایط مقرر برای انحلال شخص حقوقی در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی سبب می‌شود که حتی در مواردی که شخص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی دارای مسئولیت کیفری باشند، نیز نتوان حکم به انحلال آن صادر نمود و لیکن با توجه به عدم تقید انحلال در ماده ۶۷ به شرایط مذکور این احتمال وجود دارد که شخص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی به مجازات انحلال محکوم شود که محل تأمل می‌باشد.

در مقررات ضوابط مربوط به نحوه اجرای مجازات‌های مجازات‌های ممانعت از فعالیت شخص حقوقی و انحلال شخص حقوقی مشخص نیست و این امر سبب ابهام‌های فراوان در مرحله اجرای حکم می‌شود. مانند اینکه آیا با قطعی شدن حکم مرجع صادرکننده، انحلال بصورت خودبه‌خودی محقق می‌شود و یا اینکه نیاز به طی تشریفات خاصی دارد؟

۱. همین دیدگاه در رویه قضایی نیز مشاهده می‌شود. در این خصوص به رأی مذکور در: صفاری، علی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۵ و ۳۶.

وضعیت تعهدات اشخاصی که شخص حقوقی نسبت به آنها تعهداتی بر عهده دارد (و بالعکس) چیست؟

در تبصره ماده ۷۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در خصوص مجازات شرکتها و مؤسسه‌های حمل‌ونقل داخلی و بین‌المللی حکم خاصی پیش‌بینی شده است. «در صورتی که شرکت و مؤسسه به قصد قاچاق تأسیس شود و یا پس از تأسیس، فعالیت و هدف آن به این منظور منحرف گردد در مرتبه اول، فعالیت شرکت سه ماه تا یک سال تعلیق می‌شود و در صورت تکرار، شرکت منحل می‌گردد.» سؤال اساسی در خصوص حکم تبصره آن است که مجازات مقرر در تبصره مجازات اصلی بزه قاچاق کالا و ارز است و یا اینکه این مجازات‌ها مکمل مجازات‌های مقرر در ماده ۶۷ قانون می‌باشد؟ با مقایسه مجازات‌های مقرر در این تبصره با مجازات‌های مقرر در بندهای الف و ب ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ملاحظه می‌گردد که در مجموع مجازات پیش‌بینی شده در تبصره ماده ۷۰ خفیف‌تر است؛ چرا که اولاً - حکم فعالیت به تعلیق فعالیت و یا انحلال منوط به آن است که «شرکت و مؤسسه به قصد قاچاق تأسیس شود و یا پس از تأسیس، فعالیت و هدف آن به این منظور منحرف گردد» و این در حالی است که در ماده ۶۷ چنین قیدی وجود ندارد. ثانیاً - در خصوص شرکت و مؤسسه حمل‌ونقل در مرتبه اول صرف‌نظر از موضوع قاچاق و یا نحوه ارتکاب، مجازات انحلال پیش‌بینی نشده است و این در حالی است که در بند الف ماده ۶۷ در صورتی که موضوع قاچاق کالای ممنوع بوده و یا اینکه قاچاق به نحو سازمان‌یافته ارتکاب پیدا کرده باشد در مرتبه اول برای آن مجازات انحلال شخص حقوقی پیش‌بینی شده است. ممکن است گفته شود که حکم مقرر در تبصره ماده ۷۰ در خصوص مجازات شرکت‌ها و مؤسسات حمل‌ونقل مجازات اصلی مقرر برای این اشخاص است و حکم تبصره ماده ۷۰ منحصراً ماده ۶۷ می‌باشد. لیکن اشکال این دیدگاه آن است که در اینصورت قانون‌گذار در خصوص ضبط و جزای نقدی شخص حقوقی حکمی ندارد که با توجه به دیگر موارد در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز این دو ضمانت‌اجراء همواره مورد توجه قانون‌گذار بوده است. دیدگاه دیگر می‌تواند آن باشد که مجازات مقرر در تبصره ماده ۷۰ مجازات تکمیلی است. در تأیید این دیدگاه می‌توان استدلال نمود که حکم مقرر در ماده ۷۰ و تبصره آن در ادامه ماده ۶۹ که ناظر به مجازات تکمیلی است، آمده است. لیکن اشکال این دیدگاه آن است که در اینصورت بین

مجازات‌های اصلی و تکمیلی هماهنگی لازم وجود ندارد؛ به عنوان نمونه در فرضی که شخص حقوقی در مرتبه اول به جهت ارتکاب بزه قاچاق منحل می‌شود، اعمال مجازات تکمیلی مقرر در تبصره ماده ۷۰ سالبه به انتفاء موضوع می‌شود.

با توجه به ابهاماتی که در خصوص مسؤولیت کیفری شرکت‌های حمل‌ونقل وجود دارد، در ماده ۵۸ لایحه اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، در متن اصلاحی ماده ۷۰ بدین شرح پیش‌بینی شده است: «مسؤولیت کیفری و مجازات‌های مربوط به شرکت‌ها و مؤسسات حمل‌ونقل داخلی و بین‌المللی حسب مورد مشمول ماده (۶۷) این قانون و احکام عام مربوط به اشخاص حقوقی مذکور در قانون مجازات اسلامی است.» با توجه به اینکه این ماده پیشنهادی حاوی نکته جدیدی در خصوص مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی نیست، حذف این ماده پیشنهادی نیز عملاً می‌تواند منتهی به شمول مقررات عام بر شرکت‌ها و مؤسسات حمل و نقل داخلی و بین‌المللی شود. لیکن با توجه به اینکه ماده ۵۸ لایحه متعرض تبصره ماده ۷۰ نشده است، نتیجه آن است که این تبصره به قوت خود باقی است و در نتیجه ابهام ناظر به نحوه تجمیع حکم تبصره ماده ۷۰ با ماده ۶۷ به قوت خود باقی است.

در خاتمه این قسمت لازم به ذکر است که هر چند ماده ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز حکم تکرار بزه قاچاق را به قانون مجازات اسلامی ارجاع داده است و لیکن از آنجایی که در ماده ۶۷ (و نیز تبصره ماده ۷۰) احکام خاصی برای تکرار بزه قاچاق توسط اشخاص حقوقی پیش‌بینی شده است، در خصوص تکرار بزه قاچاق توسط اشخاص حقوقی می‌بایست مطابق مقررات خاص مصرح عمل نمود.

۴ - مجازات اشخاص حقیقی مؤثر در بزهکاری شخص حقوقی

آنگونه که ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر می‌دارد «... مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسؤولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.» پیش‌بینی چنین حکمی سبب می‌شود که شناسایی مسؤولیت کیفری برای اشخاص حقوقی محملی برای سوءاستفاده از این اشخاص توسط اشخاص حقیقی برای ارتکاب جرم نباشد. بنابراین در فرض احراز مسؤولیت کیفری شخص حقوقی، شخص حقیقی‌ای که رفتار او به عنوان نماینده شخص حقوقی موجب توجه اتهام به شخص حقوقی شده است، نیز حسب مورد

به مجازات بزه قاچاق محکوم می‌شود. لیکن در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در مواردی مجازات‌های ویژه‌ای نیز برای اشخاص حقیقی در نظر گرفته شده است.

به موجب تبصره ۱ ماده ۶۷ «افراد موضوع این ماده محکومیت قطعی می‌یابند و تا پنج سال مجاز به تأسیس و مشارکت در اداره شخص حقوقی نیستند.» با توجه به استفاده قانون-گذار از واژه «افراد» این تبصره ناظر به اشخاص حقیقی است و این در حالی است که حکم خود ماده ناظر به مجازات اشخاص حقوقی است، بنابراین می‌توان گفت که تبصره ناظر به اشخاصی است که رفتار آن‌ها موجب توجه اتهام به شخص حقوقی شده است. به موجب قسمت نخست تبصره محکومیت نمایندگان قانونی شخص حقوقی قطعی (در مقابل تعلیقی) است و حتی مجازات‌هایی که بر اساس مفهوم مخالف ماده ۷۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز قابل تعلیق هستند، در خصوص این اشخاص قابل تعلیق نمی‌باشد و حتی این عدم قابلیت تعلیق شامل مجازات مقرر در قسمت دوم تبصره مبنی بر ممنوعیت تأسیس و مشارکت در اداره شخص حقوقی تا پنج سال را نیز در برمی‌گیرد. در اینجا لازم به ذکر است که ممنوعیت از مشارکت در اداره شخص حقوقی اعم از شخص حقوقی‌ای که بزه قاچاق به آن منتسب شده و غیر آن، می‌باشد.

در صورتی که ارتکاب قاچاق توسط شرکت‌ها و مؤسسات حمل و نقل صورت گرفته باشد نیز حکم ماده ۷۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز جاری است. «مرجع رسیدگی‌کننده ذی‌صلاح در مورد شرکت‌ها و مؤسسات حمل‌ونقل داخلی و بین‌المللی که مدیران یا متصدیان آن‌ها مرتکب قاچاق کالا یا حمل کالای خارجی فاقد اسناد مثبت گمرکی شده‌اند با توجه به شرایط، نحوه، دفعات ارتکاب جرم و شخصیت مرتکب علاوه بر مجازات‌های مقرر در این قانون به شرح زیر حکم می‌نماید: الف - مرتبه اول سه تا شش ماه محرومیت اشتغال مدیران یا متصدیان ب - مرتبه دوم شش ماه تا یک سال محرومیت اشتغال مدیران یا متصدیان» به نظر می‌آید که می‌بایست حکم مقرر در ماده ۷۰ را مخصص قسمت دوم تبصره ۱ ماده ۶۷ دانست. با توجه به عبارت «علاوه بر مجازات‌های مقرر در قانون» مجازات مقرر در ماده ۷۰ مکمل دیگر مجازات‌های مقرر برای اشخاص حقیقی مرتکب جرم می‌باشد.

در مواردی که شخص حقوقی مرتکب جرم، شخص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی باشد، در اینصورت برای اشخاص حقیقی مرتکب جرم، مجازات انفصال و یا محرومیت از

خدمات دولتی و عمومی نیز پیش‌بینی شده است. «چنانچه شخص حقوقی، وابسته به دولت یا مأمور به خدمات عمومی باشد، مرجع رسیدگی‌کننده، کارکنان و مدیران مرتکب قاچاق را علاوه بر مجازات‌های مربوط حسب مورد به محرومیت یا انفصال دایم یا موقت از خدمات دولتی و عمومی غیردولتی محکوم می‌نماید.» بر این اساس مرجع رسیدگی‌کننده اختیار دارد که مرتکب را به انفصال و یا محرومیت دایم و یا موقت محکوم نماید و در صورت اخیر تعیین میزان انفصال و یا محرومیت نیز از اختیارات همان مرجع می‌باشد.

به موجب تبصره ۴ ماده ۶۷ «در خصوص مدیر شخص حقوقی که از عمل مباشران، علم و اطلاع داشته باشد نیز مطابق قانون مجازات اسلامی عمل می‌شود. ...» با توجه به عبارات بکار رفته، این تبصره ناظر به موردی است که مدیر شخص حقوقی مباشرت در ارتکاب قاچاق نداشته باشد و از این‌رو به جهت ارتکاب بزه قاچاق قابل مجازات نمی‌باشد و صرفاً از اقدام دیگر کارکنان شخص حقوقی در جهت ارتکاب قاچاق علم و اطلاع دارد، در اینجا قانون‌گذار به صرف این امر مجازاتی را برای مدیر تعیین ننموده است و لیکن با احاله موضوع به قانون مجازات اسلامی درصدد بیان این امر بوده است که در صورت صدق یکی از عناوین مجرمانه بر رفتار او مورد مجازات قرار می‌گیرد. به عنوان مثال اگر نحوه رفتار مدیر به نحوی بوده است که با سوءاستفاده از قدرت موجب وقوع جرم توسط کارکنان شده و یا تسهیل وقوع بزه قاچاق نموده باشد، از حیث معاونت در بزه قاچاق قابل مجازات است.

۵ - مرجع صلاحیت‌دار جهت رسیدگی به بزه قاچاق اشخاص حقوقی

به موجب ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، بزه قاچاق در ۵ مورد (قاچاق کالا و ارز سازمان‌یافته و حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی) مشمول عنوان جرم شده و رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه انقلاب است. در دیگر موارد بزه قاچاق مشمول عنوان تخلف بوده و رسیدگی به آن در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی است. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تصریح خاصی در خصوص مرجع صلاحیت‌دار رسیدگی به بزه قاچاق کالا و ارز منتسب به شخص حقوقی ندارد و از این‌رو ضابطه مقرر در ماده ۴۴ فوق‌الذکر در خصوص اشخاص حقوقی نیز جاری است. به تعبیر دیگر در خصوص شخص حقوقی مرجع صلاحیت‌دار جهت رسیدگی به اتهام همان مرجعی است که صلاحیت رسیدگی به اتهام نماینده شخص حقوقی را دارد.

به موجب ماده ۶۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری «در مواردی که مقررات ویژه‌ای برای دادرسی جرایم اشخاص حقوقی مقرر نشده است مطابق مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری که در مورد این اشخاص قابل اجراء است اقدام می‌شود.» بنابراین مقررات صلاحیت حاکم بر بزه قاچاق کالا و ارز در خصوص اشخاص حقوقی، تابع مقررات عام است. «مطابق اصل وحدت مرجع رسیدگی»، به عنوان یکی از اصول حاکم بر دادرسی کیفری اشخاص حقوقی (که به موجب آن اصل بر صلاحیت رسیدگی به اتهام شخص حقوقی در مرجعی است که صلاحیت رسیدگی به اتهام شخص حقیقی موجب مسؤلیت کیفری شخص حقوقی را دارد)، مرجع ذی‌صلاح جهت رسیدگی به اتهام شخص حقیقی موجب صلاحیت شخص حقوقی، صلاحیت رسیدگی به اتهام شخص حقوقی را نیز دارا می‌باشد. بنابراین از حیث صلاحیت ذاتی در صورتی که رسیدگی به اتهام شخص حقیقی بر اساس ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی باشد، رسیدگی به اتهام شخص حقوقی نیز در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی است...»^۱

آنگونه که پیش از این اشاره شد، در صورتی که شخص حقوقی از اشخاص حقوقی دولتی و یا مأمور به خدمات عمومی باشد، به موجب تبصره ۳ ماده ۶۷ برای اشخاص حقیقی مجازات انفصال نیز پیش‌بینی شده است. این امر سبب می‌شود که به موجب ماده ۴۴ دادگاه انقلاب مرجع ذی‌صلاح جهت رسیدگی به اتهام قاچاق باشد و به اتهام شخص حقوقی نیز در دادگاه انقلاب رسیدگی شود. در این راستا در نظریه مشورتی دفتر امور حقوقی تعزیرات حکومتی آمده است که «موضوع قاچاق دو دستگاه خودروی نیمه سنگین توسط شهرداری از صلاحیت شعب تعزیرات خارج بوده و مقتضی است که به موجب تبصره ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز قرار عدم صلاحیت صادر گردد، لیکن در صورتی که اتهام متوجه اشخاص دیگری اعم از حقیقی یا حقوقی غیر دولتی و غیر عمومی باشد، در این صورت موضوع از مصادیق صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی است...»^۲

۱. نظریه شماره ۹۵/۲۱۰/۴۸۰۴ مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۱۶ دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی

۲. نظریه شماره ۹۵/۲۱۰/۴۸۰۴ مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۱۶ دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی

نتیجه‌گیری

پیش‌بینی مسؤولیت کیفری برای اشخاص حقوقی گامی در راستای پاسخ‌دهی مناسب برای مقابله با بزهکاری روزافزون اشخاص حقوقی و بالاخص در عرصه‌های اقتصادی است. با توسعه تجارت خارجی کشور نقش اشخاص حقوقی نیز در این مبادلات اقتصادی گسترش پیدا می‌کند، و همین امر اشخاص حقوقی را به بزهکاران بالقوه بزه قاچاق کالا و ارز تبدیل می‌کند. با لحاظ این ضرورت قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز هم‌راستا با سیاست کیفری سختگیرانه این قانون، در خصوص بزهکاری اشخاص حقوقی نیز سیاست افتراقی سخت-گیرانه اتخاذ کرده است. البته جدید بودن مسؤولیت کیفری اشخاص در نظام حقوقی ایران، عدم آشنایی کافی مراجع رسیدگی‌کننده (مراجع قضایی و شعب تعزیرات حکومتی) با آن و وجود ابهامات فراوان در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (که برخی از آن‌ها در لایحه اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز برطرف شده و لیکن برخی دیگر به قوت خود باقی است) سبب گشته است، که در عمل مراجع رسیدگی‌کننده چندان توجهی به موضوع مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی نداشته باشند.

با توجه به اینکه مجازات‌های مقرر برای اشخاص حقوقی (ممانعت از فعالیت شخص حقوقی و انحلال شخص حقوقی) مجازات‌های بسیار شدیدی می‌باشند که اعمال آن‌ها ممکن است آثار منفی بسیاری (مانند بیکاری کارکنان شخص حقوقی و اختلال در فعالیت‌های اقتصادی جامعه) را به دنبال داشته باشند، پیش‌بینی مجازات‌های خفیف‌تر می‌تواند به اتخاذ سیاست کیفری کارآمدتر منتهی شود؛ چرا که در شرایط کنونی یکی از دلایل عدم توجه مراجع رسیدگی‌کننده به بزه قاچاق کالا و ارز ارتكابی توسط اشخاص حقوقی می‌تواند همین امر باشد. البته در شرایط کنونی مراجع رسیدگی‌کننده می‌توانند با توجه به عدم شمول ممنوعیت تخفیف و تعلیق مجازات مقرر در ماده ۷۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، حسب مورد مقررات عام تخفیف و تعلیق مقرر در قانون مجازات اسلامی را در خصوص شخص حقوقی اعمال نمایند. البته باید توجه داشت، از آنجایی که قاچاق کالا و ارز جزو جرایم اقتصادی است، در صورتی که ارزش کالا و یا ارز قاچاق بیش از یکصد میلیون ریال باشد، به استناد ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی امکان تعلیق مجازات وجود ندارد.

فهرست منابع

۱. اجتهادی، سیدعبدالمجید، (۱۳۸۰)، سیر تقنینی قاچاق کالا و ارز، ترجمان حسبه، شماره‌های ۳ و ۴.
۲. اجتهادی، سیدعبدالمجید، بررسی جرایم و مجازات‌های قاچاق کالا و ارز و شیوه رسیدگی به آن در حقوق کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
۳. اجتهادی، سیدعبدالمجید، (۱۳۹۶)، بزه‌انگاری در حوزه قاچاق کالا و ارز، مبانی و جلوه‌ها، رساله دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.
۴. احمدی، عبدالله، (۱۳۸۵)، جرم قاچاق، چ سوم، تهران، میزان.
۵. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۶)، حقوق جزای عمومی، ج دوم، چ چهل و ششم، تهران، میزان.
۶. الهام، غلامحسین و دیگران، (۱۳۹۳)، چالش‌های تعریف جرم قاچاق در نظام حقوقی ایران، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۸.
۷. آشوری، علی‌اصغر و مجید صادق‌نژاد نایینی، (۱۳۹۶)، گزارشی از همایش اشخاص حقوقی: مسؤلیت کیفری و آیین دادرسی، چ دوم، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات.
۸. آقازاده، علیرضا، (۱۳۹۵)، مطالعه تطبیقی دادرسی کیفری قاچاق کالا در حقوق ایران، ترکیه و عراق، چ اول، تهران، مجد.
۹. جعفری، مجتبی، (۱۳۹۵)، مبانی و اصول مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی، دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۲.
۱۰. دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی، (۱۳۹۷)، مجموعه نظریه‌های مشورتی دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی، چ دوم، تهران، میزان.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۳)، لغت‌نامه دهخدا، ج دهم، چ اول، تهران، دانشگاه تهران.
۱۲. رستمی‌غازانی، امید، (۱۳۹۶)، آیین دادرسی تعزیرات حکومتی، چ اول، تهران،

میزان.

۱۳. ساداتی، سیدمحمد مهدی، (۱۳۹۵)، قاچاق کالا از طریق ارائه اسناد یا اظهار خلاف واقع در حقوق کیفری ایران، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، شماره ۱۰.
۱۴. شاملو، باقر، (۱۳۹۶)، مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در: نیازپور، امیرحسن (زیر نظر)، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، چ اول، تهران، میزان.
۱۵. شریفی، محسن، (۱۳۹۴)، مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان، چ اول، تهران، میزان.
۱۶. صفاری طاهری، غلامرضا، (۱۳۹۰)، کنوانسیون‌های بین‌المللی گمرکی مهم‌ترین ابزارهای قانونی سازمان جهانی گمرک، چ اول، تهران، دانشگاه علوم اقتصادی.
۱۷. صفاری، علی و دیگران، (۱۳۹۷)، بزه قاچاق کالا و ارز در مقررات موضوعه، چ اول، تهران، روزنامه رسمی.
۱۸. عمید، حسن، (۱۳۷۲)، فرهنگ عمید (سه جلدی)، جلد سوم، چ چهارم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲.
۱۹. فرج‌اللهی، رضا، (۱۳۸۸)، مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، چ اول، تهران، میزان.
۲۰. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۷)، اظهارنظر کارشناسی درباره: «لایحه اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز»، شماره ۱ - ۱۵۵۶۳.